

مهربانی پدر بزرگ کار دستش داد

مرد ۷۰ ساله که پس از مرگ همسرش تنها شده بود با اصرار بستگانش تن به ازدواج دوباره داد اما...

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از روزنامه ایران، این مرد موسفید که وابستگی شدیدی به دختر و نوه‌هایش داشت گمان می‌کرد ازدواج راهی است برای آرامش و امید و وابستگی کمتر به عزیزانش، بی‌خبر از اینکه زن دوم نمی‌تواند این شرایط را بپذیرد. پدر بزرگ مهربان در حالی که غم و اندوه در چهره‌اش موج می‌زند وارد اتاق شده و به قاضی شعبه ۲۶۸ دادگاه ونک می‌گوید: می‌خواهم از همسرم جدا شوم، ۶ ماه است که با او ازدواج کردم. فکر می‌کردم درکم می‌کند و در این سن همدم می‌شود اما اشتباه کردم؛ او دائم به رابطه من و خانواده‌ام حسودی می‌کند و سعی می‌کند با حرف‌های دروغین بین من و آنها را بهم بزند از دو بهم زنی‌ها و بی‌احترامی‌هایش خسته شدم. هر وقت فرزند و نوه‌هایم به دیدنم می‌آیند همسرم آنقدر غر می‌زند و رفتارهایی می‌کند که باعث ناراحتی‌شان می‌شود و آنها خیلی زود می‌روند.

او ادامه داد: همسر اولم را به خاطر بیماری‌اش از دست دادم شرایط خیلی سختی را می‌گذراندم. تنها انگیزه‌ام برای زندگی دختر و نوه‌هایم بودند. بعد از ۵ سال به خواست آنها با اکرم آشنا شدم و تصمیم گرفتیم باهم ازدواج کنیم. نمی‌توانستم خانواده‌ام را نبینم و همین باعث ناراحتی او می‌شد. دیگر نمی‌توانم این شرایط را تحمل کنم و می‌خواهم از هم جدا شوم.

اکرم نیز در ادامه به قاضی عموزادی گفت: من هم با امید وارد زندگی محسن شدم فکر می‌کردم می‌توانم به او تکیه کنم اما او هیچ توجهی به من نمی‌کرد همه زندگی‌اش خانواده همسر اولش بودند احساس غریبی و تنهایی می‌کردم من غریبه بودم که وارد زندگی‌اش شدم و توقع داشتم او هوایم را داشته باشد اما هیچ محبت و توجهی از او نمی‌دیدم که همان را بخواهم به او برگردانم. حتی دخترش نیز با من بخوبی رفتار نمی‌کرد و بچه‌هایش من را دوست نداشتند. نمی‌دانم چرا من را وارد زندگی‌شان کردند وقتی قبولم ندارند. بنابر این گزارش، قاضی عموزادی با شنیدن اظهارات این زوج و نداشتن سازش آنها حکم طلاق را صادر کرد و زن ۶۰ ساله در ازای طلاق توافقی و همه حقوق قانونی، مهریه ۱۱۰ سکه، اجرت‌المثل و... را به همسرش بخشید و از او جدا شد.